

نگرشی نوین بر حقانیت قرآن

نویسنده : علی اسماعیلی زهرانی

سرشناسه	: اسماعیلی زهرانی، علی، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: نگرشی نوین بر حقانیت قرآن/نویسنده علی اسماعیلی زهرانی.
مشخصات نشر	: اصفهان: نور الحیات، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۸ ص؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۲۵۰۰۰ ریال ۳-۰۶-۵۹۸۵-۶۲۲-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۴۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: قرآن-- بررسی و شناخت
	Qur'an -- Surveys
موضوع	: قرآن-- تحقیق
	Qur'an -- Research
رده بندی کنگره	: ۴/۶۵BP
رده بندی دیویی	: ۱۵۹/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۴۴۳۷۸
اطلاعات رکورد	: فیپا
کتابشناسی	

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: نگرشی نوین بر حقانیت قرآن

نویسنده: علی اسماعیلی زهرانی

انتشارات: نورالحیات

چاپ: اول، تابستان ۱۴۰۱

قطع: رقعی / ۴۸ صفحه

صفحه آرای و حروف چینی: مهدی آقابابایی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۳-۰۶-۵۹۸۵-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهدا

این اثر را

به چراغ هدایت امام حسین علیه السلام

و

فرزند ایشان حضرت امام مهدی علیه السلام

و پدر و مادر عزیزم

اهداء می نمایم.

فهرست

چکیده	۷
مقدمه	۹
پیام های کلیدی قرآن	۱۱
۱. وجود خداوند	۱۱
۲. یگانگی خداوند	۱۵
۱) برهان هماهنگی در کلّ عالم	۱۵
۲) برهان وحدت انبیا	۱۷
۳. فرزند نداشتن خداوند	۱۷
۴. صفات خداوند در قرآن	۱۸
زنده	۱۹
دانا	۱۹
توانا	۱۹
هدایتگر	۱۹
حکیم	۲۰
بینا و شنوا	۲۰
مهربان	۲۱
به عدالت رفتار میکند و ظلم نمیکند	۲۱
معانی عدل و ظلم، و وجود عدل در حوزه جهان آفرینش	۲۲

۲۳.....	وجود عدل در حوزه جهان آفرینش
۲۴.....	۵. معاد
۲۴.....	حکیم بودن
۲۶.....	عادل بودن
۲۸.....	۶. مکتب اسلام
۳۲.....	جامعیت قرآن به چه معناست؟
۳۲.....	نبود تناقض در قرآن به چه معناست؟
۳۶.....	۷. نبوت و امامت
۳۹.....	بررسی شبهات در مورد قرآن
۴۲.....	ضرورت اعتقاد به قرآن و پیروی از آن
۴۷.....	نتیجه گیری
۴۸.....	منابع

چکیده

قرآن برای اثبات ادعای خود که از سوی خدا نازل شده است ادعای اعجاز دارد و مخالفان خود را به مبارزه و همانند آوری فراخوانده است و این فراخوانی در اصطلاح «تحدّی» نام دارد. نکته‌ای که درباره تحدّی قرآن قابل توجّه می‌باشد این است که اگر قرآن از سوی خدا نبود موضوع تحدّی را مطرح نمی‌کرد و یا اینکه پس از مدّتی این تحدّی پاسخ داده می‌شد و در نتیجه مکتب قرآن با شکست مواجه می‌گردید؛ بنابراین حقّانیت قرآن از طریق استناد به اعجاز آن به سادگی قابل اثبات است.

ما قصد داریم در این نوشتار حقّانیت قرآن را از طریقی دیگر نیز اثبات نمائیم؛ همچنین در این نوشتار به شبهات پیرامون قرآن و ضرورت اعتقاد انسان به قرآن نیز خواهیم پرداخت.

مقدمه

﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ ؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد؛ شاید اندیشه کنید! ^۱

قرآن انسان را به اندیشیدن دعوت می‌کند؛ این نوشتار نیز در راستای اجابت دعوت قرآن است. در این نوشتار قصد داریم که «پیام‌های کلیدی قرآن در زمینه اعتقادات» را مورد تأمل و بررسی قرار داده و از این طریق ثابت کنیم که قرآن بی‌تردید از سوی خدا برای هدایت انسان به سوی سعادت دنیا و آخرت نازل شده است.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ ؛ المر، اینها آیات کتاب (آسمانی) است؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حَقّ است؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند! ^۲

۱. بقره / ۲۴۲.

۲. رعد / ۱.

پیام های کلیدی قرآن

۱. وجود خداوند
۲. یگانگی خداوند
۳. فرزند نداشتن خداوند
۴. صفات خداوند (دانا، توانا، حکیم، و...)
۵. معاد
۶. مکتب اسلام
۷. نبوت و امامت

۱. وجود خداوند

﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ ؛ «خدا آفریننده هر چیز است».^۱

دیدگاه قرآن در مورد نحوه پیدایش جهان و موجودات، دیدگاه آفرینش است؛ به بیانی دیگر، جهان و موجودات نیاز به خالق دارند. وجود خالق امری است که عقل آن را ثابت می کند و غیر از آن، عدم وجود خالق، را نمی تواند بپذیرد. خدا موجودی است که قابل دیدن نیست؛ خداوند وجود صرف و بی حد و مرز است و همه موجودات توسط او خلق شده اند. هر چیزی که دیده می شود ماده است و ماده زمانی به وجود آمده و زمانی نیز از بین می رود؛ بنابراین، بنابر دلایل عقلی، خداوند ممکن نیست ماده و در نتیجه قابل دیدن باشد. حال ممکن است پرسیده شود چگونه چیزی را که نمی توان دید می توان به

وجود آن باور پیدا کرد؟ در مثالی ساده، هوا را نیز نمی‌توان دید ولی با نشانه‌های آن همچون وزن، به وجودش پی می‌بریم. عقل وجود خدا را نیز با نشانه‌های او ثابت می‌کند.

اثبات وجود خالق امری بسیار آسان است و نیاز به تحقیق زیاد نیز ندارد. با اندکی تأمل در مورد نظم بسیار زیاد و متحیر کننده در نظام خلقت و موجودات (انسان، گیاه، حیوانات، کهکشان‌ها و...) می‌توان به وجود ناظم پی برد. توجه به این نکته نیز ضروری است که مباحث مطرح شده از سوی خداناباوران در مورد عدم وجود خداوند در چارچوب مبانی عقلی نیست و بر مبنای "اگر و شاید" و به عبارتی تخیل است. فرضیه تکامل که نیز ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده، جدای از اینکه هنوز در حد یک فرضیه است، اما اگر ثابت هم بشود، همچنان ضرورت وجود طراح و مدبر برای پیدایش موجودات امری است غیر قابل انکار. هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند بپذیرد سیستم پیشرفته‌ای همچون بدن انسان طی یک فرایندی هر چند طولانی مدت خود به خود طراحی و به وجود آمده باشد!!! سیستم بدن انسان در نهایت نظم است و هر نظمی ناظمی ذی شعور را می‌طلبد.

توجه به این نکته نیز ضروری است که اولاً صاحبان این فرضیه که ادعا می‌کنند موجودات پیشرفته از موجودات ساده حاصل شده‌اند در مورد منشاء موجودات ساده چیزی بیان نمی‌کنند! و ثانیاً، موجودات زنده ممکن است سیر تکامل را طی کرده باشند اما موجودات غیر زنده همچون سیارات و کهکشان‌ها که بسیار عظیم و دارای نظم بسیار دقیق

هستند چه گونه تکامل یافته‌اند؟! جهان بر اثر اتفاقات گوناگون شکل گرفته است؛ بنابر قرآن، آسمان‌ها و زمین در شش دوره آفریده شده‌اند (آیه ۷ سوره هود، آیه ۵۴ سوره اعراف)، اما خدانا باوران وقتی با پیشرفت علم به این اتفاقات آگاه می‌شوند این موضوع را به عدم وجود خدا ارتباط می‌دهند! برای تشریح فرایند تولید یک فیلم سینمایی ساده مستند می‌سازند و نویسنده، کارگردان و دیگر عوامل فیلم را معرفی می‌کنند اما برنامه خلقت را می‌خواهند بدون وجود عامل و مدبر توجیه کنند! خدانا باوران هر احتمالی را در مورد نحوه پیدایش جهان و موجودات با دقت بررسی می‌کنند جز احتمال وجود خدا! برای هر معلولی به جستجوی علت می‌پردازند اما اگر آن علت نامش خدا باشد آن را تکذیب می‌کنند!

﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ ؛ «در دل‌های ایشان بیماری (جهل و عناد) است، خدا بر بیماری آنها بیفزاید، و برای ایشان است عذابی دردناک، به سبب آنکه پیوسته دروغ می‌گفتند.»^۱

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ ؛ «در

آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبنندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند!»^۱

خداناباوران با تبلیغات گسترده در مود تخیلات خود، مخاطب را دچار سردرگمی و آشفتگی ذهنی می‌کنند تا اینکه مهمترین حقیقت عالم، وجود خداوند، را که ایمان انسان به این موضوع مانع بزرگی بر سر راه دنیاطلبی آنها است، دروغ جلوه بدهند. وقتی با اندکی اندیشیدن از این سردرگمی خارج بشوید و سعی کنید هوای نفس را نیز مهار کنید، از تردید خود درباره این موضوع که آیا خدا وجود دارد یا خیر (که موضوعی بسیار آشکار است) تعجب خواهید کرد!

نکته دیگر که برای خداناباوران خوشایند نیست این است که اثبات وجود خدا فقط وابسته به برهان نظم نیست و با برهان‌های دیگر (همچون حدوث، حرکت، وجوب و امکان، صدیقین) نیز وجود خداوند ثابت می‌گردد.

موضوع قابل توجه دیگری که اشاره به آن خالی از لطف نیست، موضوع رؤیاهای صادقه است که تقریباً برای همه انسان‌ها روی می‌دهد.

وقتی شخصی بدون هیچ زمینه، پیش فرض و اطلاعات قبلی خوابی ببیند که بدون کم و کاست در آینده محقق شود، به هیچ وجه نمی‌توان آن را با سیستم مادی مرتبط دانست و این موضوع نیز در تضاد با اعتقاد خداناباوران ماده‌گرا است.

۲. یگانگی خداوند

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾؛ بگو اوست خدای یگانه.^۱

قرآن می‌فرماید: خداوند یکتاست. دلایل عقلی متعددی بر توحید و یگانگی خداوند ارائه شده است؛ مانند: برهان هماهنگی در کل عالم؛ برهان وحدت انبیا؛ برهان نفی شبیه و مثل و نظیر؛ برهان تمناع؛ برهان بی‌نیازی خداوند و برهان بساطت و عدم محدودیت خداوند. در زیر دو برهان توضیح داده می‌شود:

۱) برهان هماهنگی در کل عالم

وجود هماهنگی در نظام خلقت علاوه بر اینکه دلیل محکمی برای وجود خداوند است، دلیل بر یگانگی خداوند نیز می‌باشد. اگر دو تدبیر و اراده در عالم هستی حاکم باشد، فساد و بی‌نظمی در عالم یافت می‌شود؛ پس نبودن فساد در عالم، دلیل بر وحدت خداوند است. برای تبیین موضوع، اگر جهان را به شکل یک کتاب در نظر بگیریم، کتابی که توسط دو یا چند نفر تألیف شده باشد سبک و سیاق تألیف هر قسمت از کتاب با قسمت دیگر آن متفاوت است، اما کتاب خلقت

کاملاً یک دست است و این موضوع حاکی از این است که این کتاب توسط یک نویسنده تألیف شده است. وقتی با دقت به جهان می‌نگریم متوجه می‌شویم که اجزای عالم به طوری هماهنگ عمل می‌کنند که امکان زندگی برای انسان فراهم شود. آسمان همچون سقف، خورشید همچون چراغ، زمین همچون فرش می‌باشد. آب از آسمان نازل می‌شود، هوا برای تنفس جود دارد، گیاهان و حیوانات نیاز انسان به تغذیه را رفع می‌کنند. بنابراین، جهان یک مجموعه هماهنگ است که از سر حکمت، علم و تدبیر آراسته شده است و هماهنگ کننده و نظم دهنده این مجموعه کسی نیست جز خدای یگانه و اگر خدایی دیگر نیز وجود داشت عالم این چنین هماهنگ نبود زیرا هر یک از خدایان میخواست تدبیر و روش خود را در جهان اعمال کند و در نتیجه برقراری نظم ممکن نبود.

«اگر در آنها [=زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت قطعاً [زمین و آسمان] تباه می‌شد پس منزّه است خدا پروردگار عرش از آنچه وصف می‌کنند».^۱

«همان کسی که هفت آسمان را بر روی یکدیگر آفرید، در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی، بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟»^۲

۱. انبیاء / ۲۲.

۲. ملک / ۳.

۲) برهان وحدت انبیا

اگر خدایان دیگری وجود داشتند هر آینه می بایست این خدایان به ارسال پیامبرانی برای معرفی خود و هدایت مردم پردازند، ولی در هیچ جای جهان چنین اتفاقی نیفتاده است و ما شاهد هیچگونه پیامبر و یا نشانه ای دیگر از وجود خدای دیگر نبوده و نیستیم.

۳. فرزند نداشتن خداوند

﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ ؛ «نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است.»^۱

قرآن می فرماید: خداوند نه خود متولد شده و نه کسی را متولد می کند. این پیام قرآن نیز حاوی موضوعی است که عقل نیز آن را تایید می کند. علاوه بر دلایل محکم فلسفی برای تأیید این پیام قرآن همچون صفت بسیط بودن خداوند ، صفتی که عقل در مورد خدا ثابت می کند، آیا اگر خداوند زائیده شده بود و یا می زاید او موجودی همچون انسان و دیگر حیوانات نبود؟! علاوه بر این، آیا خداوند همچون انسان قرار است روزی بمیرد و برای استمرار حکومت خود نیاز به فرزند به عنوان جانشین دارد؟!

۴. صفات خداوند در قرآن

برای خداوند به غیر از توحید صفات متعدّدی در قرآن مطرح شده است. آیا می‌توان این صفات را در مورد خالق این دنیا با دلایل عقلی و منطقی تکذیب کرد.

برای مثال به بررسی چند مورد از صفات خداوند که در قرآن مطرح شده و اثبات این صفات بر اساس مبانی عقلی می‌پردازیم.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾^۱،

﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^۲،

﴿إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾^۳،

﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۴،

﴿وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۵،

﴿وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا﴾^۶،

﴿وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۷

۱. بقره / ۲۵۵.

۲. نور / ۱۸.

۳. حج / ۷۵.

۴. بقره / ۱۰۹.

۵. نور / ۲۰.

۶. فرقان / ۳۱.

۷. نور / ۴۶.

زنده

قرآن می‌فرماید:

خداوند زنده است؛ آیا ممکن است خداوند زنده نباشد اما اقدام به خلقت بکند و به موجودات حیات ببخشد؟

دانا

قرآن می‌فرماید:

خداوند دانا است، آیا ممکن است خالق آسمان‌ها، زمین و موجودات به ویژه انسان دانا نباشد؟

توانا

قرآن می‌فرماید:

خداوند بر هر کاری توانا است. آیا خلقت این دنیا با این عظمت دلیل محکمی بر توانایی نامحدود خداوند نیست؟

هدایتگر

قرآن خداوند را هدایتگر معرفی می‌نماید. آیا انسان به اراده الهی توسط عقل و حیوان توسط غریزه هدایت نمی‌شوند؟

خداوند گیاهان را نیز برای رشد و نمو هدایت می‌کند.

جالب است بدانیم که صفت هدایت‌گری خداوند شامل موجودات غیر زنده نیز می‌شود (برای نمونه، الکترون نحوه عملکرد خود را می‌داند و کرات با هدایتی که می‌شوند در مدار خود حرکت می‌کنند). بنابراین نتیجه می‌گیریم خالق این دنیا هدایتگر است و با هدایتش مخلوقات را به کمال مختص ظرفیتشان می‌رساند.

حکیم

قرآن می‌فرماید:

خداوند حکیم است. آیا نظم بسیار دقیق و حیرت آور در نظام آفرینش دلیل محکمی بر حکیم بودن بی انتهای خداوند نیست؟ حکیم یعنی صاحب حکمت.

حکمت در لغت به معنای استواری و استحکامی است که از نقص، خلل و فساد جلوگیری می‌کند. افعال حکیم هدفی را دنبال می‌کند و در آن افعال نقص و خلل وجود ندارد. آیا در مخلوقات همچون کهکشان‌ها، سیارات و موجودات زنده نقص، خلل و عدم استحکام مشاهده می‌شود؟ آیا هر یک از اعضاء بدن انسان برای هدفی طراحی نشده است؟ یک نگاه به جهان هستی از منظومه‌ها و ستارگان و کواکب گرفته تا ساختمان اتم، و از موجودات زنده تک سلولی تا حیوانات غول پیکر و درختان عظیم، برای پی بردن به حکیم بودن آفریدگار آنها، و بانی این بنای باشکوه کافی است. اصولاً تمام کتاب‌هایی که درباره علوم طبیعی، فیزیک، شیمی، تشریح، فیزیولوژی، گیاه شناسی، حیوان شناسی، علم هیئت و نجوم نوشته شده همگی شرح حکیم بودن خدا است.

بینا و شنوا

قرآن می‌فرماید:

خداوند بینا و شنواست. آیا اگر خداوند بینا و شنوا نبود می‌توانست موجودات بینا و شنوا خلق کند؟

مهربان

قرآن خداوند را بسیار مهربان معرفی می‌کند. آیا می‌توان پذیرفت که خالق مادر و عطوفت مادرانه خود مهربان نیست؟

به عدالت رفتار می‌کند و ظلم نمی‌کند

قرآن در آیات متعدد می‌فرماید:

خداوند ظلم نمی‌کند و کارهای او بر عدل استوار است. در ابتداء، آیاتی در این باره مطرح می‌شود و سپس به بررسی این پیام قرآن از دیدگاه عقل می‌پردازیم:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا

بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۱ ؛ «خدا گواهی می‌دهد

که جز او هیچ معبودی نیست، فرشتگان و صاحبان علم نیز

(بر این حقیقت) گواه هستند که (کارهای خدا همه) بر عدل

و داد استوار است و جز خدای عزیز و حکیم، هیچ معبودی

نیست.»^۱

﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾^۲ ؛ «و پروردگارت به هیچ کس ستم

نمی‌کند.»^۲

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾^۳ ؛ «خداوند (حتی) به اندازه

سنگینی ذره‌ای ستم نمی‌کند.»^۳

۱. آل عمران / ۱۸.

۲. کهف / ۴۹.

۳. نساء / ۴۰.

جهان آفرینش اثر خداوند است؛ همانطور که ما از اثر یک نقاش به توانایی و صفات آن نقاش پی می‌بریم، از اثر خداوند نیز به صفات او پی می‌بریم. در واقع هدف خداوند از خلقت انواع مخلوقات نیز همین است؛ از آنجایی که خداوند نامحدود می‌باشد و امکان دیدن او وجود ندارد، خداوند خود را از طریق مخلوقاتش به نمایش می‌گذارد؛ به تعبیری دیگر، انسان با اندیشیدن در مورد مخلوقات، به وجود خالق و صفات او (دانایی، توانایی، حکیم بودن، عادل بودن و...) پی می‌برد. وجود عدل و نبود ظلم در حوزه آفرینش دلیل محکمی بر عدالت خداوندی است و عقل را به این موضوع رهنمون می‌سازد که خالق هر که باشد در نهایت عدل عمل می‌کند و ظالم نیست.

معانی عدل و ظلم، و وجود عدل در حوزه جهان آفرینش

عدل در لغت یعنی نظم، ادب و قرار دادن هر چیز در جای خود.

در روایتی از امام علی (علیه السلام) آمده است:

«عدالت عبارت است از: وضع و قرار دادن هر شیء در

جایگاه مناسب آن.»^۱

بنابراین عادل یعنی برقرار کننده عدالت، کسی که اعمال و رفتارش

مطابق با نظم، انصاف و قانون است.

در مقابل، ظلم در لغت عبارت است از:

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

قرار دادن چیزی در غیر جای ویژه آن یا کمتر و یا بیشتر (خارج شدن از حد میانه روی)، و یا آن را در وقت و مکان خود انجام ندادن. بنا براین، ظالم کسی است که جایگاه و حد واقعی کارهای خود را رعایت نمی کند.

وجود عدل در حوزه جهان آفرینش

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ «البته ما هر چیز را به اندازه آفریدیم!»^۱

در حدیث نبوی آمده است:

«بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛ «توسط عدل آسمان ها و زمین استوار باقی مانده است»»^۲

وجود عدل در حوزه جهان آفرینش عبارت است از:

موزون بودن و هماهنگی کامل میان اجزاء و مؤلفه های عالم وجود؛ اگر ما به جهان بنگریم متوجه می شویم که این جهان در نهایت نظم، زیبایی، اتقان و تناسب قرار دارد. میان اجزای تک تک موجودات، میان اشیاء و مولفه های جهان یک نوع تناسب و توازن خاصی حاکم است. کرات آسمانی در مدار معینی حرکت می کنند، فصول سال و گذشت شب و روز نظم خاصی دارد و خلقت اشیاء از اندازه، حد و میزان خاصی برخوردار است. این نظم شگفت انگیز و محیرالعقولی که

۱. قمر / ۴۹.

۲. تفسیر صافی، ذیل آیه ۷ سوره الرحمن.

در همه مخلوقات، حرکت سیّاره‌ها و ستارگان، گیاهان، موجودات دریایی و صحرایی، بدن انسان، گردش خون و... وجود دارد، همه و همه نشان از عدالت بی انتهای خالق است.

۵. معاد

﴿إِلَهُ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ ؛ (معبودی جز خداوند نیست؛ و به یقین، همه شما را در روز رستاخیز - که شکی در آن نیست - جمع می کند و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟!)^۱

قرآن واقعه معاد (روز قیامت) را مطرح می فرماید. از لحاظ امکان، خدایی که این دنیا را با این عظمت خلق کرده است می تواند دنیای دیگری را نیز خلق کند.^۲ از لحاظ ضرورت نیز واقعه معاد را می توان با روش های متعدّد ثابت کرد. در اینجا ما با صفات حکیم بودن و عادل بودن خداوند ضرورت واقعه معاد را ثابت می کنیم.

حکیم بودن

در مقدمه این قسمت، این نکته را یادآور می شویم که آیات متعدّد قرآن حاکی از این است که جهان با این عظمت برای انسان خلق شده است؛ موضوعی که عقل نیز آن را می پذیرد؛ زیرا که انسان تنها

۱. نساء / ۸۷.

۲. روم / ۲۷.

موجودی است که به علت برخورداری از قدرت اندیشیدن، توانایی درک نظام خلقت و بهره برداری از آن را در راستای منافع خود دارد!

﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ «او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته؛ در این نشانه‌های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می‌کنند!»^۱

همانطور که در در قسمت صفات خداوندی بیان شد، وجود حکمت در نظام آفرینش و مخلوقات همچون بدن انسان نشانه‌ای از حکیم بودن خالق است. حکیم هیچ کاری را بدون هدف انجام نمی‌دهد. بنابراین با توجه به وجود حکمت بی حد و مرز خالق در حوزه آفرینش و توجه به این نکته که جهان برای انسان خلق شده است، نمی‌توان پذیرفت که خداوند برای خلقت انسان در این دنیا با این همه عظمت و پیچیدگی هدفی نداشته باشد و با مرگ، همه چیز برای انسان تمام می‌شود! بنابراین، عقل انتظار دارد پس از مرگ حقایقی دیگر وجود داشته باشد، هر چند برای ما بدرستی محسوس نباشد!

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾؛ «ما آسمان و زمین و

آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ وای بر کافران از آتش (دوزخ)！」^۱
خداوند در آیه ۱۱۵ سوره مومنون نیز می‌فرماید:
﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾؛ «آیا گمان برده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگشت نخواهید کرد!»

عادل بودن

با توجه به وجود عدالت فراگیر خداوندی در کل حوزه آفرینش، و پی بردن این موضوع که خالق هر که است ظالم نیست و در نهایت عدالت رفتار می‌کند، عقل نمی‌تواند بپذیرد که پس از مرگ انسان خوب و انسان ستمگر هر دو در جایگاهی مشابه (گور، قبر) قرار بگیرند (ظلم). خالق‌ی که در سرتاسر حوزه آفرینشش عدالت (نظم، تناسب و قوانین دقیق) مشاهده می‌شود، یقیناً در همه کارهایش هر چند برای ما به درستی محسوس نباشد، عدالت وجود دارد.

بنابر آیات قرآن، در دنیای پس از مرگ انسان خوب و انسان ستمگر از یکدیگر جدا خواهند شد و بنابر تناسب اعمال، انسان خوب در بهشت و انسان ستمگر در جهنم جای خواهد گرفت (عدالت)؛ موضوعی که عقل انتظار آن را دارد و غیر از آن را نمی‌تواند بپذیرد.
امام سجّاد (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«به خدا قسم! قبر یا باغی از باغ‌های بهشت است یا چاهی از چاه‌های آتش».^۱

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...﴾ ؛ «به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغ‌هایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست».^۲

﴿لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ ؛ «(اینها همه) بخاطر آن است که خداوند (می‌خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد، و ناپاکها را روی هم بگذارد، و همه را متراکم سازد، و یکجا در دوزخ قرار دهد؛ و اینها هستند زیانکاران!».^۳

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾ ؛ «ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود؛ و اگر بمقدار سنگینی یک دانه

۱ . بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۵۹.

۲ . بقره / ۲۵.

۳ . انفال / ۳۷.

خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می‌کنیم؛ و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم!»^۱

۶. مکتب اسلام

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ ؛ «همانا دین (پسندیده) نزد خدا آیین اسلام است.»^۲

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾ ؛ «آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد.»^۳

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ ؛ «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.»^۴

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ ؛ «اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی ﷺ) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا

۱. انبیاء / ۴۷.

۲. آل عمران / ۱۹.

۳. انعام / ۱۲۵.

۴. مائده / ۳.

آن را هر چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.^۱

همانطور که در بالا بیان شد، خالق این دنیا هدایتگر است و امر هدایتگری او شامل موجودات زنده و حتی موجودات غیر زنده نیز می‌شود و از طریق این امر، مخلوقات را به کمال مختص ظرفیتشان می‌رساند. خداوند انسان را از طریق عقل هدایت می‌کند، اما همین عقل به انسان می‌فهماند که انسان از درک امور غیر تجربی عاجز است و برای آگاهی یافتن از آغاز، سرانجام، و هدف خلقت، به ویژه خلقت انسان، و چپستی دقیق کمال مختص ظرفیت انسان و نیز نحوه دستیابی به آن نیاز به هدایت شدن از طریقی دیگر دارد.

حال، باتوجه به صفات حکیم بودن و هدایتگری خالق، به جستجوی نشانه‌ای از مکتبی الهی (مکتب: اصول، طریقت، برنامه جامع) می‌پردازیم تا اینکه از طریق آن مکتب، هدف، سرآغاز و سرانجام خلقت، به ویژه خلقت انسان، مشخص گردد، کمال مختص ظرفیت انسان به طور دقیق تعریف شود و نحوه دستیابی به آن با ارائه برنامه جامع، کامل و کاربردی ممکن گردد.

با جستجو در زمینه نشانه‌ای از مکتب الهی درمی‌یابیم که مبانی ادیان و مکاتب کفرآمیز همچون بت پرستی و بودایی با مبانی عقلی همخوانی ندارند. با بررسی بیشتر به ادیان و مکاتب توحیدی (همچون اسلام، مسیحیت و یهودیت) می‌رسیم؛ محتویات کتاب‌های ادیان

توحیدی همچون تورات و انجیل (به دلیل تحریفات صورت گرفته در آنها) به طور کامل با مبانی عقلی همخوانی ندارند و علاوه بر این، برنامه‌ای مناسب و قابل قبولی برای تضمین سعادت‌مندی بشر امروز ارائه نمی‌دهند. در این میان، فقط کتاب مکتب اسلام، قرآن، است که محتوایش به طور کامل در چارچوب مبانی عقلی است؛ توصیفش از خالق به گونه‌ای است که عقل می‌پذیرد؛ دیدگاهش در مورد هدف، سرآغاز و سرانجام آفرینش، به ویژه آفرینش انسان و کمال مختص ظرفیت او با مبانی عقلی همخوانی دارد؛ برنامه‌ای کامل و جامع بر مبنای اصول عقلانی و فطرت برای دستیابی انسان به کمال مختص ظرفیت خویش ارائه می‌دهد؛ به رعایت اصول اخلاقی سفارش می‌کند^۱؛ افراط و تفریط را نمی‌پسندد و مسیر اعتدال (میانه روی) را بر می‌گزیند^۲؛ از تصمیم‌گیری بر مبنای "حدس" و "گمان" بر حذر می‌دارد و به پیروی از "علم" و "یقین" سفارش می‌کند^۳؛ در آن تناقض یافت نمی‌شود؛ تبعیض قائل نمی‌گردد و معیار برتری را تقوا اعلام می‌کند^۴؛ نشانه‌ای از رهبانیت (گوشه نشینی و ترک دنیا) در آن یافت نمی‌شود، و هر کس را نیز به اندازه توانائی‌اش مکلف می‌داند.^۵

۱. نحل / ۹۰ و

۲. فرقان / ۶۷ و

۳. اسراء / ۳۶ و حجرات / ۱۲ و ...

۴. حجرات / ۱۳.

۵. بقره / ۲۸۶.

قرآن تنها مکتبی است که می‌توان آن را در این عصر از سوی خدا برای هدایت بشر امروز در نظر گرفت، مکتب دیگری که قابل مقایسه با مکتب قرآن باشد وجود ندارد؛ از سویی نیز صفات حکیم بودن و هدایتگری خالق اقتضاء می‌کند که بشر را به طریقی هدایت کند و معیاری برای او در راستای تشخیص حق از باطل و تشخیص خوب از بد تعیین نماید؛ بنابراین، نتیجه می‌گیریم که مکتب اسلام (که قرآن، آیین نامه این مکتب است) همان مکتب هدایتگری است که از سوی خالق این دنیا برای هدایت بشر امروز اختصاص داده شده است.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾؛ همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرقان را [که قرآن، قانون و معیار الهی برای تشخیص حق از باطل، است] به تدریج بر بنده اش نازل کرد، تا برای جهانیان بیم دهنده باشد.^۱

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾؛ «آیا در قرآن نمی‌اندیشند [تأقیق را بفهمند] یا بر دل‌هایشان قفل‌هایی قرار دارد؟»^۲

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ «(این قرآن بزرگ) کتابی مبارک و عظیم الشأن است که به تو نازل کردیم تا امت در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر (حقایق آن) شوند.»^۳

۱. فرقان / ۱.

۲. محمد / ۲۴.

۳. ص / ۲۹.

جامعیت قرآن به چه معناست؟

با توجه به این که قرآن کتاب تربیت و انسان سازی است که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است، منظور از جامعیت، تمام اموری است که برای پیمودن این راه لازم است، نه این که قرآن یک دائرة المعارف بزرگ است که تمام جزئیات علوم ریاضی، جغرافیایی، شیمی، فیزیک، گیاه شناسی و مانند آن در آن آمده است. بنابراین، جامعیت قرآن بدان معنا است که قرآن شامل همه چیزهایی است که به شکلی به هدایت انسان‌ها مربوط می‌شود (آیت الله مکارم شیرازی).

نبود تناقض در قرآن به چه معناست؟

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ ؛ «ستایش و سپاس مخصوص خداست که بر بنده خاص خود (محمد ﷺ) این کتاب بزرگ (قرآن) را نازل کرد و در آن هیچ نقص و کژی ننهاد.»^۱

قرآن مجموعه‌ای کامل از معارف، فضایل اخلاقی، قوانین اجتماعی و... است که طی مدت طولانی ۲۳ سال در حالات، شرایط و مکان‌های مختلف (مکه، مدینه، در حین سفر، جنگ، صلح و...) بر شخصی درس خوانده در شرایط رشد فکری و سنی متفاوت نازل شده است؛ باوجود این، هیچ‌گونه اختلافی در آن مشاهده نمی‌شود! کتاب‌های بشری که

معمولاً پیرامون یک موضوع می‌باشند، در مدت زمان کوتاه و نیز در شرایط آرامش نویسنده‌ای تحصیل کرده تألیف آنها انجام می‌شود و قبل از انتشار بارها ویرایش می‌شوند، در نهایت ممکن است در همان آغاز یا پس از گذشت اندک زمانی، اشتباهات و تناقضات آنها آشکار گردد؛ ولی قرآن پس از گذشت قرن‌ها بدون اثبات هیچ‌گونه اشتباه، اختلاف و تناقض در آن خودنمایی می‌کند!

﴿ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ

اِخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴾ ؛ «آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از

جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.»^۱

این نکته نیز قابل ذکر است که همانطور که عقل انتظار دارد و قرآن نیز حاکی از آن است، خداوند حکیم و هادی برای بشر در هر عصری، مکتبی که متناسب با رشد فکری بشر آن عصر بوده است را نازل فرموده است (آیه ۳۶ سوره نساء، آیه ۷۸ سوره غافر، آیه ۲۵ سوره حدید). بنابر آیات قرآن، مکتب اسلام (که آیین نامه آن، قرآن است) به عنوان آخرین مکتب و کامل شده مکتب‌های قبلی است و این پیام قرآن حاکی از اصیل بودن مکتب قرآن است. این موضوع نیز مورد تأیید عقل است؛ زیرا مکتبی که از سوی خدای حکیم و هادی است علاوه بر اینکه باید دارای ویژگی‌هایی همچون بر مبنای عقل و فطرت باشد، اصیل و ریشه دار نیز باید باشد؛ زیرا صفات هدایتگری و حکیم بودن خالق اقتضاء می‌کند که از هر زمانی بشر می‌زیسته است مکتبی الهی

نیز برای هدایت او موجود و در دسترس بوده باشد و همانطور که عقل انتظار دارد و قرآن نیز حاکی از آن است مکتب خدای حکیم فقط یک مکتب است و این پیام قرآن که اسلام محمد ﷺ مکتبی کامل شده از مکتب‌های قبلی است مورد تأیید عقل است زیرا مکتب الهی باید متناسب با رشد فکری بشر باشد و متناسب با رشد فکری او نیز کامل گردد.

﴿ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ

النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴾؛ «محمد ﷺ (که قرآن

کتاب این پیامبر است) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و

نیست؛ ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است؛

و خداوند به همه چیز آگاه است!»^۱

از آنجایی که بنابر قرآن، مکتب اسلام آخرین مکتب الهی برای بشر

میباشد، عقل انتظار دارد که خداوند حکیم از قرآن به عنوان آیین نامه

این مکتب محافظت بکند، موضوعی که در آیات قرآن نیز شاهد آن

هستیم:

﴿ إِنَّا نَحْنُ الذَّكْرُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴾؛ «همانا ما قرآن را نازل

کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن [از تحریف و زوال] هستیم.»^۲

بنابراین به طور خلاصه مکتبی که از سوی خدای رؤوف، حکیم و هادی

برای هدایت انسان به سوی سعادت دنیا و آخرت اختصاص داده می‌شود

بنابر اقتضاء صفات خدا می‌بایست حداقل دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. احزاب / ۴۰.

۲. حجر / ۹.

۱. دارای پیام آسمانی بودن (از طرف خدا بودن) به منظور
متقاعد سازی انسان برای پیروی؛
 ۲. همخوانی با اصول عقلانی؛
 ۳. همخوانی با اصول فطرت انسان؛
 ۴. فاقد هر گونه عیب، کاستی؛
 ۵. رفع کنجکاو‌ی‌های انسان در مورد چگونگی پیدایش جهان و
موجودات، هدف از خلقت به ویژه خلقت انسان و سرانجام خلقت؛
 ۶. تعریف دقیق کمال مختص ظرفیت انسان و ارائه برنامه کامل و
جامع متناسب با رشد فکری انسان برای دستیابی به آن؛
 ۷. اصیل و ریشه دار بودن؛
 ۸. تبلیغ و علنی شدن به طور مقتضی؛
 ۹. ارائه کننده راهکاری مطمئن برای مدیریت و رهبری جامعه و
نیز ارائه کننده راه کاری مطمئن برای چگونگی تعمیم اصول و
قوانین مکتب به همه موارد و رویدادهای ممکن در زندگی بشر.
- در این عصر فقط مکتب قرآن، که بنابر آیات آن آخرین مکتب است و
مکتبی بعد از آن نخواهد بود، دارای همه این ویژگی هاست و هیچ
مکتبی قابل مقایسه با مکتب قرآن وجود ندارد؛ در تبیین بیشتر، اگر
مکتب‌های قبلی همچون مکتب مسیحیت مکتب نهایی از سوی
خالق برای هدایت انسان بود، صفت حکیم بودن خالق اقتضاء
می کرد که از آیین نامه این مکتب محافظت کند و مانع تحریف آن
بگردد؛ بنابراین نتیجه می گیریم که مکتب قرآن بدون تردید از سوی خدای
حکیم و هدایتگر برای هدایت بشر امروز اختصاص داده شده است.

۷. نبوت و امامت

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾؛ «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!»^۱

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾؛ «همچنان که پیامبری از خود شما را بر شما فرستادیم تا آیات ما را برایتان بخواند و شما را پاکیزه گرداند و کتاب و حکمت آموزد و آنچه را که نمی دانستید به شما یاد دهد.»^۲

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که امامان و جانشینان معصوم پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هستند) اطاعت نمایید.»^۳

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾؛ «یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است!»^۴

۱. نحل / ۳۶.

۲. بقره / ۱۵۱.

۳. نساء / ۵۹.

۴. احزاب / ۲۱.

﴿ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴾ ؛ خدا فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)».^۱

﴿اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ ؛ «خداوند آگاهتر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد!»^۲

موضوع نبوت و امامت یکی از پیام‌های کلیدی قرآن می‌باشد. انسان موجودی اجتماعی است و همانطور که هر جامعه کوچک و بزرگی نیاز به رهبر دارد، پیامبر و جانشینان او نیز رهبرانی برای مدیریت جامعه دینی هستند.

همچنین، این امکان نیز از نظر عقلی وجود ندارد که همه دستورات مورد نیاز برای سعادت‌مندی بشر در یک کتاب جای بگیرد! به عنوان نمونه خداوند در قرآن دستور به اقامه نماز می‌دهد ولی نحوه اقامه نماز بیان نمی‌گردد. بنابراین، همانطور که عقل انتظار دارد و آیات قرآن حاکی از آن است، قرآن شامل چارچوب و کلیات مکتب اسلام می‌باشد و این دستورات به وسیله پیامبر و جانشینان او تکمیل و تعمیم می‌گردد. علاوه بر این، جهت فراگیری کامل و دقیق ساده‌ترین کتاب‌ها وجود معلّم امری ضروری

۱. بقره / ۱۲۴.

۲. انعام / ۱۲۴.

است. قرآن نیز به علت اینکه دربرگیرنده دستورات هدایت و سعادت‌مندی بشر در ابعاد مختلف است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای جلوگیری از سوء برداشت‌های سهوی و عمدی از دستورات آن نیاز به معلّمی حاذق و مطمئن دارد که با توضیح و الگوسازی دقیق دستورات این کتاب مانع سوء برداشت‌ها و گمراهی انسان بشود؛ وظیفه‌ای که بنابر آیات قرآن به پیامبر و جانشینان او محوّل گردیده است. همچنین بنابر قرآن، انتصاب پیامبر و جانشینان او بر عهده خداست و خداوند انساهاى شایسته را انتخاب می‌کند و نیز دستور اطاعت از ایشان را می‌دهد.

این موضوع نیز خردمندانه است و از خدای حکیم و هادی نیز چنین انتظار می‌رود زیرا فقط در این صورت است که انسان می‌تواند با خیال آسوده به آنها اعتماد کامل کند و ایشان را سرمشق خود قرار بدهد.

بنابراین، صفت حکیم بودن خداوند، بویژه در دنیایی که شرایط آن روز به روز در حال تغییر است، اقتضاء می‌کند تا زمانی که انسان وجود دارد فردی حاذق و مطمئن از سوی خدا نیز وجود داشته باشد که بتواند جامعه دینی را رهبری و پیام‌ها و دستورات قرآن را با توجه به شرایط روز به طور دقیق و بدون هیچ گونه خطا تفسیر و تفهیم کند و در صورت از میان برداشته شدن او به هر دلیل، شخص حاذق دیگری همچون او جایگزین گردد که آیات قرآن نیز حاکی از همین موضوع است.

این نکته نیز قابل توجه است که به جهت الگو برداری هر چه بهتر و آسانتر انسان از پیامبر، عقل انتظار دارد که او نیز انسان باشد (و برای نمونه فرشته نباشد) که آیات متعدد قرآن نیز حاکی از این موضوع است (آیه ۲ سوره جمعه، آیه ۱۲۸ سوره توبه، آیه ۱۶۴ سوره آل عمران).

بررسی شبهات در مورد قرآن

شبهه چیست و چه تفاوتی با سؤال دارد؟ سؤال معمولاً از فطرت حقیقت جوی انسان سرچشمه می‌گیرد که در خور احترام و توجه است، اما شبهه نوعی القای شک است که با انگیزه‌های اختلاف‌افکنی و گمراه‌سازی همراه است.

منشاء بسیاری از سؤالات و تردیدها در حوزه دین که مبنای آن قرآن است و در نتیجه به هدف این نوشتار مربوط می‌گردد، عدم وجود معرفت و شناخت کافی نسبت به خدا و صفات اوست. برای مثال، وقتی عقل خدای را حکیم یافت، وجود پیشوایی معصوم از سوی خدا در هر عصر خود به خود ثابت می‌گردد.

شبهه‌سازانی که در مورد قرآن ایجاد شبهه می‌کنند معمولاً قرآن را مانند یک کتاب علوم طبیعی، تاریخی و یا ادبی در نظر می‌گیرند و سپس بر این مبنا از قرآن نقد به عمل می‌آورند، اما این نوع نقد از اساس دارای اشکال است زیرا قرآن با دیگر کتاب‌ها متفاوت است و کتابی است ویژه با سبکی خاص برای هدایت بشر به سمت سعادت دنیا و آخرت؛ قرآن همچون کتاب‌های علمی و با کاربرد اصطلاحات تخصصی به تبیین دقیق مسائل علمی نمی‌پردازد و زمینه‌های ادبی، تاریخی و علوم طبیعی آن در راستای هدف این کتاب، هدایت انسان، است.

این نکته نیز قابل توجه است که شبهاتی که هدف اصلی آنها فقط اقدام به توطئه علیه قرآن است، شبهاتی در مورد مبانی قرآن همچون

وجود خدا، توحید و معاد نیست؛ زیرا مبانی قرآن به سادگی با براهین عقلی قابل اثبات است. شبهاتی که معمولاً شبهه سازان قصد دارند از طریق آنها مخاطب را دچار سردرگمی و گمراهی سازند، شبهاتی است در زمینه‌هایی همچون یافتن اشتباه در اشارات علمی، یافتن اشتباه در زمینه ادبیات و دستور زبان عربی، یافتن اشتباه در زمینه مطالب تاریخی قرآن، یافتن تناقض و یا دستوراتی خلاف شرافت انسان در قرآن. این شبهات با این هدف ارائه می‌شود که بتوان در نتیجه ثابت کرد که قرآن از سوی خدا نیست.

شبهه سازان از سبک بیان قرآن نیز برای ایجاد شبهه استفاده می‌کنند. قرآن سبک ادبی دارد و از روش‌هایی همچون تمثیل، تشبیه و ایجاز استفاده می‌کند.

برای برداشت صحیح از آیات قرآن نیاز به تدبّر (اندیشیدن در مورد آیات)، بررسی و کنار هم قرار دادن آیات مرتبط و در نظر گرفتن آموزه‌های مربوطه معلّمین قرآن (پیامبر گرامی ﷺ و جانشینان ایشان) در مورد آیات می‌باشد (آیه ۲۹ سوره "ص"، آیه ۱۵۱ سوره بقره، آیه ۵۹ سوره نساء، آیه ۵۵ سوره مائده و...)، امّا، شبهه سازان با برداشت‌های سطحی و اشتباه از آیات قرآن که گاه حتی توسط مترجمان قرآن نیز به طور ناخواسته به چشم می‌خورد، استفاده کرده و ایجاد شبهه می‌کنند.

در مورد شبهات قرآنی که هدف از ایجاد آنها اثبات وجود اشتباهات در قرآن در زمینه ادبیات و دستور زبان عربی است باید به این نکات توجه داشت که اولاً صرف ادعا کافی نیست و موضوع باید ثابت گردد؛ ثانیاً، قرآن قبل از پیدایش دستور زبان عربی؛ یعنی دانش «نحو» وجود

داشته است. عرف علمی در همه زبان‌های دنیا آن است که کتاب‌های قدیمی که شاهکار ادبیات به شمار می‌آید اصل قرار می‌گیرد و دستور زبان بر اساس آن تنظیم می‌شود. در عصر حاضر هم هنوز قرآن به عنوان قله ادبیات عرب و شاهکار ادبی شمرده می‌شود؛ بنابراین اگر در مورد صحت ادبی جمله یا قواعد دستوری ادبیات عرب اختلاف شد مرجع و ضابطه قرآن است نه بالعکس؛ و ثالثاً، اگر قرآن بر خلاف ادبیات رایج عرب صدر اسلام سخن گفته بود حتماً مخالفان اسلام (به ویژه مشرکان عرب که سر جنگ، با پیامبر ﷺ و قرآن داشتند) اعتراض می‌کردند و غلط بودن آیات را به رخ می‌کشیدند در حالی که چنین مخالفت‌های علمی در تاریخ ثبت نشده است.

همچنین، مبنای برخی از شبهات نیز اطلاعات تاریخی ناقص برخی از مسلمانان است! برای مثال، شبهه سازان از دانش ناقص برخی از افراد به ویژه جوانان، در زمینه تاریخ استفاده کرده و برخی از مؤلفه‌های فرهنگی که در تضاد با شرافت انسانی به نظر می‌رسد را به گونه‌ای مطرح میکنند که مخاطب، مکتب قرآن را ابداع کننده آن مؤلفه فرهنگی بداند و یا حداقل اینکه مکتب قرآن که خود را مکتب اخلاق معرفی میکند در مورد آن مؤلفه بی تفاوت بوده و یا حتی آن مؤلفه را ترویج نیز داده است!

بنابراین، بطلان بسیاری از شبهات با یک بررسی ساده قابل اثبات میباشد اما در مورد شبهاتی که مربوط به آیاتی معدود می‌باشند که نمیتوان برداشت مطمئن و قطعی از آن آیات داشت و شبهه سازان نیز برای گمراه سازی بر روی همین دسته از آیات تمرکز بیشتری می‌کنند

باید گفت که این دسته از شبهات از نظر عقلی ضرورت بررسی ندارند زیرا در نهایت نمی‌توان در مورد مفاهیم آن آیات نتیجه‌گیری قطعی کرد و نتیجه‌گیری بر مبنای حدس و گمان نیز خلاف خردمندی است، و برای نتیجه‌گیری نهایی در مورد حقانیت قرآن مبنا قرار دادن مبانی قرآن و آیات صریح قرآن از نظر عقلی کافی است.

همچنین، همانطور که در قسمت‌های قبلی بیان شد، بنابر یافته‌های عقل، خدای این جهان حکیم و هدایتگر است و عقل نیز با بررسی مکاتب، مکتبی برتر و حتی قابل مقایسه با مکتب قرآن نمی‌یابد که بتواند آن را در این عصر از سوی خدا برای هدایت انسان در نظر بگیرد و از سویی دیگر عقل نیز نمی‌تواند بپذیرد که خدای حکیم و هدایتگر برای انسان مکتب هدایتگری در نظر نگیرد و او را در سردرگمی و گمراهی رها سازد.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که قرآن بدون تردید از سوی خداست و در امر خدا امکان وجود هر گونه نقص، تناقض یا اشتباه نیست! در نتیجه، اگر شبهه‌ای در مورد قرآن مطرح بگردد، یقیناً آن شبهه بنابر کمبود دانش انسان و یا برداشت اشتباه از آیات قرآن می‌باشد.

ضرورت اعتقاد به قرآن و پیروی از آن

اعتقاد به قرآن به عنوان آخرین مکتب الهی، نه تنها برای دستیابی انسان به سعادت دنیا و آخرت امری است ضروری، بلکه عدم اعتقاد انسان به وجود خدا و روز قیامت به عنوان مهمترین موارد از مبانی اعتقادی قرآن ممکن است انسان را تبدیل به موجودی خطرناک بکند

که برای دستیابی به اهداف خویش از هیچ اقدامی، چه اقدام انسانی و چه اقدام غیر انسانی، فروگذاری نمی‌کند. در واقع، علت اصلی مشکلات بشر و عدم دستیابی او به سعادت از اول خلقت تا کنون عدم اعتقاد به مکتب الهی می‌باشد؛ البته اعتقاد باید کامل باشد و در عمل نیز پدیدار گردد.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛ «بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.»^۱

نکته مهم دیگر این است که انسان موجودی اجتماعی است و تضاد منافع انسانها تشکیل حکومت را عقلاً ضروری می‌سازد؛ بهترین و مؤفق ترین حکومت یقیناً حکومتی می باشد که قوانین آن بر مبنای قرآن تعیین بگردد زیرا قرآن آخرین و کاملترین مکتب الهی است و همه ابعاد وجودی بشر (مادی، معنوی، فردی و اجتماعی) را به نحو احسن در نظر گرفته است.

متأسفانه در صفحات تاریخ شاهد رویدادهای تأسفبار بسیاری هستیم که منشاء رخداد این رویدادها عدم تعیین قوانین و اهداف حکومت‌ها بر مبنای مکتب الهی می‌باشد (توضیح بیشتر: وقتی قوانین یک حکومت بر مبنای مکتب الهی تعیین نمی‌گردد نه تنها

موجب می‌شود مردم آن حکومت سعادتمند نشوند، بلکه آن حکومت تبدیل به یک خطر جدی برای دیگر حکومت‌ها می‌شود، زیرا آن حکومت برای پیشبرد اهداف خود در جهان ممکن است به هر اقدامی، انسانی و غیر انسانی، روی بیاورد؛ همچنین، به علت تاثیرگذاری فرهنگ ملت‌ها بر یکدیگر، فرهنگ مردم حکومت‌های غیر الهی تأثیری منفی بر دیگر ملت‌ها می‌گذارد بویژه از طریق رسانه‌ها).

این نکته نیز قابل توجه است که تعیین قوانین بر مبنای قرآن مقدمه فرایند دستیابی یک حکومت به مؤفقیت است و پیروی کامل از قوانین توسط مجریان قانون و مردم نیز قاعداً ضروری است. همچنین، آگاهی و مقابله با نیرنگ‌ها و اقدامات ظالمانه کافران نیز امری اجتناب ناپذیر است.

متأسفانه وقتی یک حکومت بر مبنای قرآن تأسیس می‌گردد کافران معمولاً تمام تلاش خود را می‌کنند و به هر نیرنگی متوسل می‌شوند که این حکومت به اهداف خود دست نیابد تا اینکه انسان را فریب و به او القا کنند که امر حکومت بر مبنای مکتب الهی جوابگو نمی‌باشد! دلیل کافران از این اقدام نیز این است که ایمان انسان به قرآن و اجرایی شدن قوانین آن در تضاد با قوانین و اقدامات شیطانی آنها برای دستیابی به اهداف خود، قدرت، ثروت و سلطه‌گری نامشروع است. در اینجا برخی از نیرنگ‌ها و اقدامات شیطانی کافران معاصر را یادآوری می‌کنیم:

۱. انتشار قرآن با ترجمه‌های اشتباه به زبان‌های مختلف به ویژه زبان انگلیسی و توهین و تحریف رسالت پیامبران به ویژه پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ایجاد تردید در زمینه اعتقادات مسلمانان و سوء استفاده

از اطلاعات ناقص برخی از مسلمانان در زمینه علوم دینی و تاریخ اسلام با طراحي و ايجاد شبهات و انتشار آنها به طور گسترده به ويژه از طريق فضاي مجازي؛

۲. پنهان سازي حقايق زير خروارها دروغ و وارونه جلوه دادن حقايق از طريق تسلط بر اكثر رسانه‌هاي جهان؛

۳. ايجاد و حمايت از گروه‌هاي تروريستي ظاهراً اسلامي براي تخريب وجهه مکتب اسلام؛

۴. سوء استفاده از عرق ملي و مطرح سازي موضوعاتي همچون پيامبر ايراني، کوروش، و "تحريك نابجاي" احساسات ملي گرايانه "با هدف نهايي اسلام زدائي"؛

۵. خود را متمدن و رعايت کننده حق و حقوق دانستن و در عين حال عدم اعتقاد به بزرگترين حقيقت عالم، خداوند، و عدم رعايت حقوق او (پرستش و اطاعت)، عدم دفاع از حقوق مظلومين جهان و اقدام به هر نوع عمل غير انساني همچون مستعمره سازي کشورها و استثمار ملت‌ها، تأسيس و حمايت از گروهک‌هاي تروريستي، توليد و استفاده از سلاح‌هاي شيميايي و کشتار جمعي، تحميل جنگ بر کشورها، ايجاد تفرقه (بين ملت‌ها، مذاهب، قوم‌ها و فرقه‌ها)، اعمال شديدترين و ظالمانه‌ترين تحريم‌ها حتي تحريم دارو عليه مخالفين خود، ترويج کفر، شرابخواري، خشونت (از طرق مختلف همچون: بازى‌هاي رایانه‌اي و مسابقات کشتي کج)، نژادپرستي و فحشا (زنا، همجنس‌گرایی، شيطان پرستی، ازدواج با محارم و حتي ازدواج با حيوانات)؛

۶. سوق دادن افکار به به امر مقایسه کردن جمهوری اسلامی ایران با کشورهای خود به طور غیر منصفانه و عدم بررسی پیشرفت‌های چشمگیر و غیر قابل انکار نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های مختلف و عدم بررسی موانع جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به پیشرفت مورد نظر همچون توطئه‌های متعدّد و همیشگی نظام‌های کفر و استکبار خود علیه جمهوری اسلامی ایران

۷. مخفی نگهداشتن حتّی المقدور بحران‌ها و مشکلات جدّی ملّت‌های خود همچون فقر، جرم و جنایات، عدم امنیت زنان و کودکان، نژاد پرستی، خودکشی، اعتیاد، و نیز فساد اقتصادی در دولت‌های خود و "بزرگ تر جلوه دادن مشکلات جمهوری اسلامی ایران که خود عامل بسیاری از این مشکلات هستند" (لطفاً در مورد مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای غربی تحقیق شود)؛

۸. قدیمی جلوه دادن دستورات دین اسلام همچون نماز و حجاب که بر مبنای "فطرت تغییر ناپذیر" انسان است و سوق دادن جوانان به سمت جذابیت‌های پوچ و بی هدف دنیوی.

۹. عدم اعتراف به تأثیر بسیار برجسته اسلام در شکل‌گیری تمدّن فعلی جهان علی رغم وجود اسناد مربوطه آن و اعترافات برخی از صاحب‌نظران خود به این موضوع.

۱۰. ایجاد فرقه‌ها، ادیان، مذاهب و عرفان‌های دروغین همچون بهائیت و وهابیت که دارای توصیفات نامعقول از خدا (تجسد و تجسم خدا) و احکامی غیر معقول و خلاف فطرت هستند!؛

۱۱. به استثمار کشیدن ذهن‌ها و افکار از طریق تبلیغات رسانه‌ای و سوق دادن مردم کشورهای کمتر توسعه یافته به سوی تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی به جهت توسعه دادن اقتصاد کشورهای خود (تجمل‌گرایی موجب القای حس فقر (فقر کاذب) و ایجاد موانع اقتصادی در مسیر ازدواج نیز می‌شود).

نتیجه گیری

همانطور که در این نوشتار بررسی شد، با اندیشیدن در مورد پیام‌های قرآن نیز می‌توان فهمید که قرآن کتابی است سراسر حقیقت که از سوی خدا برای هدایت انسان به سوی سعادت دنیا و آخرت نازل شده است. ایمان انسان به قرآن باعث به خطر افتادن منافع نامشروع کافران می‌گردد؛ بنابراین، کافران تمام تلاش خود را می‌کنند و به هر اقدامی روی می‌آورند که به خیال خویش قرآن را از میان راه باطلشان بردارند اما آنها نمی‌دانند که نور خدا خاموش شدنی نیست!

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛

«آنان تصمیم دارند که نور خدا را با دهان‌ها (وسخنان و افتراها)ی خود خاموش کنند، در حالی که خداوند کامل کننده نور خویش است، هرچند کافران ناخشنود باشند.»^۱

﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾؛ «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا کفران کند.»^۲

۱. صف / ۸.

۲. انسان / ۳.

منابع

قرآن مجید

وبلاگ "نگرشی نوین بر حقانیت قرآن"

www.ghorann.blogfa.com

وبلاگ "نگرشی نوین بر حقانیت" به زبان انگلیسی

www.enejazepayam.blogfa.com

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

مراکز پاسخگویی (طرح ملی، رایگان)

مراکز پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی (اعتقادی، احکام، قرآن، حدیث، تاریخ، حقوق زنان و...)، مشاوره و روانشناسی (اختلالات روحی، مسایل خانوادگی، تربیت فرزند، ازدواج و...)، اجتماعی فرهنگی

<https://www.porseman.com>

<https://www.pasokhgoo.ir>

تلفنی: ۰۹۶۴۰۰

<https://www.islamquest.net/intro>